

غنی سازی روابط زوجین (تحکیم خانواده)

خانم استاد علی بخشی

کلاس های مدرسه عالی تربیتی مادران

نیمسال دوم - جلسه سوم

سه شنبه ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

- اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و سرالمستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

تفاوت هایی که در مورد زن و مرد گفته می شود اینطوری نیست که باید در من زن، این مسئله صدق کند یا باید حتماً در همسر صدق کند. بعضی از آنها ممکن است در من یا همسر دیده شود. اینکه همه ی آنها نیست، دلایل مختلفی دارد از جمله شرایط زندگی، نوع تربیت یا اینکه فرزند چندم خانواده هستیم یا خواهر و برادر داریم یا نه، یا اینکه تک فرزند بودیم یا نه، یا در خانواده ای بزرگ شدیم که در آن مردسالاری بوده یا زن سالاری. اینها خیلی در اینکه چه ویژگی هایی در ما نهادینه شده و با خودمان اینها را از کودکی تا بزرگسالی آوردیم و همراه خودمان کردیم، خیلی مؤثر است. مردها با زن ها تفاوت دارند.

مباحث باوری، اعتقادی، رفتاری و حتی فکری و احساسی ما هم با همدیگر متفاوت است. یکی از دلایل آن اختلاف سلیقه و دلیل دیگر این است که ما زن ها هم با یکدیگر فرق می کنیم. از طرف دیگر هم باید بپذیریم که مردها هم با همدیگر فرق می کنند. خیلی وقت ها ما حواس مان نیست به خاطر این قضیه که به آن توجهی نداریم و این قدر ساده و پیش پا افتاده هست، همسرمان را با برادرمان مقایسه می کنیم؛ همسرمان را با پدرمان مقایسه می کنیم؛ خود همین مقایسه باعث می شود کلی تنش و اختلاف در زندگی هایمان ایجاد شود. کلی به شوهرمان ایراد می گیریم که: ببین داداش تو چکار می کنی! ببین داداش من چه می کنی! ببین شوهر خواهرم اینطوری یا شوهر خواهرت آن طوری است! قبول کنیم ما خانم ها که همین الان در موضوعات پیش پا افتاده ای مانند قهوه و شکلات و لواشک یا خوش آمدن از هوای آفتابی یا مهتابی تفاوت و اختلاف سلیقه داشتیم، مردها هم این تفاوت ها را دارند. همین 15 نفر اگر بیایم در مورد باورهایمان صحبت کنیم، یکی مان می گوید باورم این است که باید خانه مرتب و همه چیز سر جایش باشد؛ یکی دیگر می گوید نه، من بازی با بچه ها را باور دارم. بچه ها باید این قدر در خانه آزاد باشند و بازی کنند. یکی دیگر می گوید برای من میهمان آمدن یا میهمان داشتن خیلی مهم است.

همین الان اگر پرسیم نظر شما در مورد مردها چیست، ما پانزده نفر، پانزده نظر متفاوت خواهیم داشت! اگر بخواهیم دسته کلی را از زن ها و مردها با توجه به تفاوت هایی که خدمتتان عرض کردم در نظر بگیریم، ما زن هایی داریم که خیلی زنانه هستند. به آنها تقریباً می گوئیم زن هایی که از خود گذشته اند. یک کمی مادرهای ما آن شکلی هستند. مادرهایی که خیلی ایثار می کنند. دسته ی دوم زن هایی هستند که به آنها زن های مستقل گفته می شود. زن هایی که قدری هم ویژگی مردانه دارند.

مستقل و روی پای خودشان هستند. احساس می کنند اصلاً نیازی به مرد ندارند. این تا یک حدی خوب و پذیرفته است. ولی در جایی از آن غلط و اشتباه است. مردهایی داریم که خیلی حساس هستند. یا زودرنج هستند و سریع ناراحت می شوند. معمولاً این مردها، مردهایی هستند که برادر نداشته اند یا سه چهار تا خواهر داشته اند. یا خانه ی آنها، زن سالاری بوده. مردهایی هم داریم مثل زن های از خود گذشته، به شدت مردانه هستند. مثل نقش پدر در سریال پدر سالار. حالا، کدام اینها درست تر و کدام غلط است؟ ما به هیچ کدام از اینها اشکال وارد نمی کنیم. فقط توصیه می کنیم سعی کنید به عنوان یک زن، زنانگی مان را تقویت کنیم. برای اینکه حال روحی خودمان بهتر شود. دوم اینکه چون عوامل زیادی تأثیرگذار بوده اند تا مثلاً من مرد، مرد حساسی شدم یا به شدت مردانه شدم یا بالعکس خانم هایی که این شکلی هستند، وقتی در کنار همسر قرار می گیرم، وقتی عضوی از یک خانواده می شوم ممکن است آن خانواده را دچار مشکل کنم. آنجاست که ممکن است آن ویژگی، ویژگی باشد که یک مقدار به روابط آسیب بزند. در غیر این صورت، اگر مثلاً یک زن از خود گذشته داشته باشیم یا زنی که کاملاً زنانه است، در کنار مردی که کاملاً مردانه است، هر دو خیلی حال خوبی دارند. چرا؟ چون زنی که کاملاً زنانه است، خیلی راحت درخواست و اطاعت می کند، خیلی راحت تمکین می کند؛ با میل و رغبت فداکاری های زنانه از خودش نشان می دهد.

آیا حال من که می گویم حتماً سه چهار ساعت از طول روز باید مال خودم باشد از شوهر و بچه ام جدا بشوم، آیا حالم بهتر از قبل است یا نه؟ می خواهم بگویم اگر زمانی را برای خودم اختصاص می دهم و دارم تغییری را در خودم ایجاد می کنم، به روابط بین خودم و همسر آسیب نمی زنم، خانواده ام را دارم خانواده ی پویا و فعالی رشد می دهم، خیلی هم خوب است. ولی اگر دارم به سمت خودخواهی و خودشیفتگی می روم و به این نیت بچه را رها کنم، دارم به جایی آسیب می زنم، به این دلیل است که این برای خود وقت گذاشتن، اشتباه به من تفهیم شده!

در روابط زوجین یا هر انسانی با انسان دیگر، احادیث زیادی داریم که اگر می خواهید با دیگران معاشرت کنید معیار معاشرت تان چه باید باشد. مثلاً در حدیثی داریم: هر چه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند. دقت کنیم جاهایی که می خواهیم خودمان را پویا کنیم و ارتقاء بدهیم بهترین حالت این است که زنانگی خودمان را تقویت کنیم. حالا اگر الان زنانگی در من زیاد است و به سمت مهرطلبی و از خود گذشته رفته ام و دارم مرا اذیت می کند، اینجا لازم است مقداری به سمت آن زن مستقل بروم. پس باید نیازهایمان را درست بشناسیم و بعد به سمت برآورده کردن آن نیازها حرکت کنیم.

به جز تفاوت های خلقی، ما یک سری تفاوت های دیگر داریم که اکتسابی به دست آمده است. یعنی تفاوت هایی که بر اساس آن خانواده ای که در آن بزرگ شده ایم و شهر یا کشوری که در آن زندگی کردیم و دین و مذهبی که داشتیم و آداب و رسوم که بوده، بر آن اساس ما کسب شان کرده ایم. یکی از تفاوت ها، تفاوت فرهنگی است. مثل آداب و رسوم و عادات اجتماعی خاص، حتی می تواند از نوع

هدیه دادن و هدیه گرفتن شروع شود. از سفره انداختن برای میهمان و میهمانی دادن و میهمانی رفتن ها، مسافرت رفتن ها، نوع غذا درست کردن و نوع علاقه به غذاها هم با فرهنگ ما همسو می شود. مثلاً در خانواده ی ما، سالاد که سر سفره می آید همه بعد از غذا سالاد را می خورند. در خانواده ی همسر من، قبل از غذا سالاد می خورند. یا در خانواده ی ما سالاد کاهو را خیلی درشت درست می کنند، در حالی که در خانواده ی همسر من ممکن است خیلی ریز درست شود!

گفتیم این فرق ها هست و این اختلاف سلیقه ها وجود دارد. قدم اول برای هر چیزی، پذیرش آن و دیدن اش است. یعنی قدم اول این است که مثلاً من بپذیرم صدای جاروبرقی همسر من را اذیت می کند. این، همان اختلاف سلیقه ای است که خدمت تان عرض کردم. همین اندازه که بدانم این فرق بین من و همسر من هست، یک مقدار حالم را بهتر می کند. اگر بپذیرم، می گویم حق ندارد. اگر هر کدام از شما مثالی بزنید، می بینیم تعارضاتی که با همسرمان داریم چیز بزرگی نیست. اختلافات بین ما خیلی چیزهای کوچکی است. چه بسا اگر من مدیریت تعارض و فنون آن را یاد بگیرم خیلی راحت می توانم با آنها کنار بیایم.

قطعاً مسیر تربیت فرزند من، ربطی به زنانگی من مادر ندارد؛ که من یک جاهایی بگویم آشغال ها را همسر من می برد، سفره را بچه ها می اندازند، ظرف ها را یک روز در هفته بچه ها می شویند، این تفکیک کار باید اتفاق بیافتد، این با زنانگی ما منافاتی ندارد. اینکه من طوری ادامه تحصیل می دهم که آسیبی به خانواده من وارد نمی شود، این منافاتی با زنانگی من ندارد. این مسئله اشتباه جا نیافتد که اگر من زن مستقلی هستم پس دارم از خانواده ام می زنم! می خواهم بگویم این چهار حالت هم برای خانم ها و هم آقایان وجود دارد. موقعی باید من تغییر ایجاد کنم یا بینم کجای کارم ایراد دارد که حال خودم از وضعیت موجود خوب نباشد و دوم اینکه به بهای مستقل شدم دارم آسیب به خانواده می زنم. اینکه من دیگران را در کار خانه همراه کنم و از تدابیر زنانگی خودم و مهربانی مادری ام استفاده کنم و بچه های خانه یا همسر را همراه کنم این خیلی خوب است.

تا زمانی که به خودم و خانواده ام آسیب نزنم هر حالتی باشد هیچ اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است. ولی در هر حالتی هستیم اگر دارم به خودم آسیب می زنم و نیاز الکی برای خودم ایجاد کردم روی این باید تمرکز کنم و تغییرش بدهم.

یک زمانی یک چیزی رد شده، در مورد گذشت هم صحبت می کنیم که خودش یک مهارت است. ما یک وقت هایی یک کسی را می بخشیم ولی این را یک گوشه ی دل مان نگه می داریم. یک وقت هایی گذشت می کنیم به معنای اینکه باید آن چیز از من خارج شود. اگر توانستم بگذرم یعنی تمام شده، دیگر نیازی نیست ما مرور کنیم. اما اگر گذشت کردم ولی گوشه ی دلم گذاشتم، بیایم بینم اول می توانم از ماجرا بگذرم یا نه. اگر می توانم که رها کنم. اگر نمی توانم، با خودم بررسی کنم بینم آیا مطرح کردنش ارزش دارد؟ یعنی اینکه اثر دارد؟ یک زمانی قرار است من چیزی را مطرح کنم ولی اثری

ندارد جز اینکه حتی اثر منفی هم روی زندگی ام بگذارد. پس آن را مطرح نمی کنم. اما چه کار کنم که از ذهن خودم خارج شود؟ شروع می کنم آن موضوع را روی کاغذ می نویسم چندین بار، بعد آن کاغذ را پاره می کنم و دور می اندازم. اگر گذشته، دیگر رها کنید. یعنی اگر اثر فعلی روی زندگی مان ندارد نیازی نیست دوباره آنها را مرور کنیم.

تفاوت های فرهنگی را اگر ما شناسیم و آگاهی از آنها نداشته باشیم، پس برای تفاوت های فرهنگی آگاهی لازم است. تعصب بیجا نسبت به فرهنگ خودم نداشته باشم. اگر مثلاً این رفتار را در خانواده می بینم، اگر بد و بی ادبانه نیست یا جالب است، من هم آن را استفاده کنم. او هم یک چیزی در مقابل در خانواده می بیند، می گوید: اینها چه عادت خوبی دارند. ما هم مثلاً این کار را بکنیم. سوم اینکه یک مقدار انعطاف پذیر باشم. گاهی وقت ها همانندسازی کنم. اگر همسر من می دهد پای تلویزیون فوتبال می بیند تا آخر شب مؤدب می نشینم، خوب چه اشکالی دارد یک بار هم کنار او به همان مدل لم بدهم؟

دومین تفاوت، تفاوت سطح دیانت هست. این تفاوت خیلی مهم است. اینکه برای ما که مسلمان هستیم، ازدواج با مسلمان برایمان مطرح است. حالا آنها که در ادیان دیگر هستند داستان شان فرق می کند. ما چکار باید بکنیم؟ مثلاً همسر یک بار نماز می خواند، سه بار نمی خواند. یا آخر وقت می خواند. یا میهمانی های مختلط را ترجیح می دهد. من با درستی یا غلطی آنها فعلاً کاری ندارم. اینکه یک سری از تفاوت ها الان وجود دارد. من در مقابل این تفاوت ها چه برخوردی کنم؟ اگر بخوام مدام سر نماز همسر گیر بدهم، سر اینکه در میهمانی شوخی نکند، دائم جنگ و دعوا داشته باشیم، او بخواهد به وضع پوشش من گیر بدهد، این باعث می شود که فاصله مان بیشتر شود و از همدیگر رنجیده خاطر شویم. من نمی گویم ما دیانت مان را کم کنیم. من می خواهم بگویم مگر می شود درد یک شوهر، ناخن کاشتن خانم باشد اگر مشکل دیگری در ارتباط نداشته باشند؟ مگر می شود مشکل شوهر من، چادر من باشد اگر جای دیگری گره ای در رابطه مان نباشد؟ قطعاً جای دیگری هست و الان اینجا دارد خودش را نشان می دهد. حالا ما خانم ها چه کار می کنیم؟ نادانسته، اول چادر را شل می کنیم، بعد آن را برمی داریم، بعد حالا قرمز یا صورتی می پوشیم، آرایش را زیاد می کنیم، و غیره. بعد همچنان اختلاف هست. فقط زاویه اش عوض شده. نمی دانم گیر کجاست. بعد می آیم سطح دیانت خودم را پایین می آورم به فرض اینکه مشکلم با شوهرم حل شود. مشکل شوهر ما این چادر ما نیست. اگر جای دیگر در ارتباط با همسر درست رفتار کنم قطعاً اینها دیده نمی شود، چه بسا او هم با ما همراهی می کند و خوشحال تر است از اینکه مثلاً دارم حجابم را حفظ می کنم. دامنه ی سطح دیانت خیلی متفاوت است. از ارتباط با نامحرم، از پوشش، از رفتن در فضای مجازی، ارتباط با جنس مخالف، تا نماز خواندن و روزه گرفتن.

ما برای این قضیه باید چه کنیم؟ اولین جمله ای که در این زمینه می خواهم به عنوان راهکار خدمت تان عرض کنم حدیثی از حضرت خانم فاطمه زهرا سلام الله علیها است. حضرت می فرمایند: اگر

در آن جایگاه که ما به تو امر کرده بودیم حضور داشتی و آنجا که تو را نهی کردیم نبود، شیعه هستی. والا نیستی. (نهج الحیات)

یعنی اگر شوهرم نماز می خواند حتی اگر نماز را آخر وقت می خواند، به من ربطی ندارد. اگر همسرم ارتباط با جنس مخالف را رعایت نمی کند، من جایگاه ام چیست؟ آیا باید بروم مدام با او دعوا کنم و تذکر بدهم یا امر به معروف کنم؟ نه! بهترین کاری که می توانم بکنم، اول اینکه احترام به عقاید طرف مقابل بگذارم تا او هم به عقاید من احترام بگذارد. دوم اینکه در مسائل دینی بیایم وجه اشتراکاتمان را پیدا کنم. روی این وجه اشتراک ها تمرکز کنم. بگردم وجه اشتراکاتی را که بین خودم و همسرم هست را پیدا کنم. روی آنها تمرکز کنم و مانور بدهم. ولی جایی با ما لج می کنند که ما نه وجه اشتراکی را می شناسیم و احترامی به هیچ کدام از عقاید ایشان هم نمی گذاریم.

راهکار اول احترام به عقاید طرف مقابل، راهکار دوم پیدا کردن وجه اشتراک بین خودمان و همسرمان در مسئله ی سطح دیانت، سوم در مورد مسئله ی دیانت فرزندانمان گاهی اوقات صحبت کنیم و تصمیم بگیریم. یک چیزی که خیلی خیلی مهم هست خصوصاً در بحث سطح دیانت و می تواند در گذشت زمان معجزه کند چه روی همسران مان و چه روی فرزندان مان، بحث محبت است. به قول استادی سر کلاس سه بار می گفت: محبت، محبت، محبت! این ربطی به دیانت ندارد. شما در جاهای دیگر، زبان خوش، کلام خوش، رفتار خوش و محبت آمیز با همسرت داری، می بینی خیلی از جاها با شما همراه می شود یا حداقل عنوان می کند که می خواهد همراه شود. حواس مان باشد از افراط و تفریط هم جلوگیری کنیم. نکته ای که در اختلاف سطح دیانت مهم هست اینکه این اختلاف سطح دیانت آیا در بین زن و شوهر به تنهایی هست، یا بین دو خانواده هست، یا بین خانواده ها و همه هست؟ چون بعضی وقت ها من و همسرم یک سطح دیانت داریم، ولی خانواده ها با ما همراه نیستند. اینها را راحت با هم، همدلی و مدیریت می کنیم. یک زمانی من خودم را شبیه همسرم کردم ولی خانواده ام هنوز با من همراه نشده اند. یک زمانی، شوهرم سطح دیانتش را با خانواده اش متفاوت کرده، مثلاً خانواده ی غیر مذهبی داشته، او مذهبی هست. یک وقت ممکن است حتی برعکس این باشد. اینکه بدانم من چقدر حاضرم به عقاید او احترام بگذارم و چقدر حاضرم از بعضی عقاید که خط قرمز و آسیب زننده نیست، صرف نظر کنم. اینکه مستقیم مقابل همسرم بایستم، بد است.

در مورد تفاوت هایی که بین زن و شوهرها اتفاق می افتد، یک سری تفاوت ها اجتماعی یا فرهنگی هست. یک سری تفاوت ها جسمی هستند مثل سن، بحث سلامت، چهره، اندام، رنگ پوست؛ یک سری تفاوت ها خانوادگی هستند مثل اینکه بعضی خانواده ها ازدواج با خویشان دارند و دیدگاه والدین شان برایشان خیلی مهم هست. یک سری تفاوت ها اقتصادی هست مثل درآمد و ثروت و شغل یا تجمل گرایی یا ساده زیستی و قانع بودن. یک سری از تفاوت ها هم روان شناختی است. مثل بحث

علايق و صفات اخلاقي و رفتارهايي كه فرد دارد انجام مي دهد. نگرش و تفكر افراد يا بروز عواطف هست. بحث هوش و استعداد و سطح تحصيلات هم مطرح هست.

بارالها، به مقربان درگاه ات، به آيه هاي قرآن ات، آقا امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف را از ما راضي و خشنود بگردان. الهي آمين.

خدايا، به بانيان اين كلاس توفيق عاقبت به خيرى عطا فرما، الهي آمين.

خدايا، به همه ي ما توفيق تربيت فرزند صالح، توفيق پوشيدن لباس عافيت، و قبولي طاعات مان در اين ماه مبارك رمضان عطا فرما، الهي آمين.

والسلام عليكم و رحمه الله و بركاته